

تسامح و شدت عمل در اسلام

مصطفیٰ حنیف*

هر کس از راه انصاف در آئین اسلام پژوهش کند، به روشنی درمی یابد که تعالیم و قوانین اسلامی به آسانگیری بر مردم و تسهیل وظایف آنان گرایشی عظیم دارد و تنها در مواضعی به سختگیری نزدیک می شود که ایمان و اخلاق جامعه در معرض تباهی قرار گیرد و مصلحت عمومی به خطر افتد و نرمش و ملایمت نیز چاره سازی نکند و گرنه، روح غالب، در آموزشها و دستورات اسلامی به تساهل و تخفیف و جلب قلوب، معطوف است.

قرآن کریم که مصدر نخستین و موثق ترین مرجع اسلامی شمرده می شود، به تصریح از این تسامح سخن می گوید و در تشریح احکام، آن را مورد عنایت قرار می دهد. در سوره نساء به تخفیف وظایف مسلمانان، بدین اعتبار که: «آدمی ناتوان آفریده شده است» اشاره می کند و می فرماید: يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (النساء: ۲۸) «خدا می خواهد که تکلیف شما را آسان سازد زیرا که آدمی ناتوان آفریده شده است». در سوره حج نیز پس از آنکه به مجاهدت درباره خدا فرمان می دهد، برای آنکه گمان نرود تکلیف گرانبار و فوق طاقتی بر مسلمانان نهاده شده، می فرماید: وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (الحج: ۷۸) «خدا در این دین، سختی بر شما نهاده است». همین مضمون در سوره مائده پس از ذکر احکام طهارت آمده و در آنجا می فرماید: مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ (المائدة: ۶) «خدا نمی خواهد که بر شما سختگیری روا دارد». و در سوره بقره پس از آنکه وجوب روزه داری را مطرح می سازد، از تخفیف هایی که نسبت به

بیماران و مسافران و جز ایشان، داده شده سخن به میان می‌آورد تا آنجا که می‌فرماید: **يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (البقرة: ۱۸۵)** «خدا آسانی را برای شما می‌خواهد و خواستار سختگیری بر شما نیست». و هر چند در پاره‌ای از این موارد، پس از ذکر احکام ویژه‌ای، از تسهیل حکم سخن رفته، ولی چون در شکل کلی و در مقام تعلیل، از آسانگیری یاد شده است از اینرو بقول علمای اصول باید گفت که: **الْعِبْرَةُ بِعُمُومِ اللَّفْظِ، لَا بِخُصُوصِ السَّبَبِ**. و به تعبیر دیگر: مورد، مخصص نیست و حکم خدا شمول دارد. این استنباط را آیات دیگری که شکل کلی دارند نیز تأیید می‌کنند مانند آنچه در سوره‌اعراف در وصف پیامبر اسلام (ص) آمده که: **يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (الأعراف: ۱۷۵)** «بارگرانی را که بر عهده دارند و زنجیرهای ایشان را از آنان برمی‌دارد». و یا در سوره‌بقره، دعای مؤمنان را که مقرون به اجابت شده چنین نقل می‌فرماید: **رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا، رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَاطَاقَةٌ لَّنَا بِهِ... (البقرة: ۲۸۶)**.

علاوه بر آیات قرآنی، بیانات و سفارشهای مؤکد پیامبر بزرگوار اسلام (ص) که مورد توافق فرق اسلامی از شیعی و سنی است نیز بر ملائمت و سهولت شرایع اسلام، دلالتی روشن دارند. از جمله آنکه فرمود: **بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ^۱** «من بر آئین توحیدی سهل و آسانی مبعوث شده‌ام». و نیز فرمود: **إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْعِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَىٰ عِبَادِهِ^۲** «این دین، آئینی استوار است پس، با نرمی و ملائمت در آن حرکت کنید و بندگی خدا را در نظر بندگان خدا، ناپسند مسازید». و نیز به هنگام فرستادن یاران خود برای تبلیغ اسلام، بدانها فرمود: **يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَيَسِّرُوا وَلَا تُتَقَرَّوْا^۳** «آسان بگیرید و سخت مگیرید و نوید دهید و متنفر نکنید». و همچنین فرمود: **إِنَّكُمْ أُمَّةٌ أُرِيدَ بِكُمْ**

۱. الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير، جلال الدين سيوطي، ج ۱ باب الباء (چاپ مصر) مقایسه شود با: الأصول من الكافي، ج ۲، باب الشرايع، ص ۱۷، حدیث ۱ (چاپ بیروت).

۲. الأصول من الكافي، ج ۲، باب الاقتصاد في العبادة، ص ۸۶، حدیث ۱ و ۶. مقایسه شود با جامع الأحاديث، ج ۲، ص ۴۷۷، حدیث ۵۴ و ۶۲ (چاپ دمشق).

۳. الجامع الصحيح، بخاری، ج ۱، کتاب العلم، حدیث ۶۹ (با ترجمه انگلیسی از دکتر محمد محسن خان).

الْيُسْرَا «شما امتی هستید که آسانگیری را از شما خواسته‌اند.» و در هر امر تکلیفی، تواین مردم را شرط تعلق تکلیف می‌شمرد و می‌فرمود: إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ^۱ «چون شما را به کاری دستور دادم، از آن کار هرچه را که در توانتان بود به جای آورید». البته نرمخویی و خوشرفتاری رسول خدا (ص) با مردم و عفوها و چشم‌پوشی‌هایی که دربارهٔ خطاکاران از خود نشان داده، داستان دیگری دارد که تفصیل آن از حوصلهٔ این مقاله بیرون است و در اینجا ذکر آیه‌ای از قرآن که احوال فرخندهٔ پیامبر را به نحو ایجاز یادآور می‌شود ما را کفایت می‌کند: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹).

«به رحمت خداوندی برای مردم نرمخو شده‌ای که اگر خشن و سخت دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند، پس از خطاهای ایشان درگذر و برای آنها آمرزش بخواه و با آنان در کارها به رایزنی پرداز و چون مصمم شدی، بر خدا توکل کن که خداوند اهل توکل را دوست می‌دارد.»

از سیرت رسول خدا (ص) که بگذریم اگر در فقه اسلامی هم تفحص کنیم، به روشنی می‌بینیم که تسامح و آسانگیری در هر بابی از ابواب فقهی نیز راه دارد و قاعدهٔ «رفع عسر و حرج» بر سراسر فقه حکومت می‌کند و ما در اینجا نمونه‌هایی از حکومت مزبور را که در آثار نبوی آمده نشان می‌دهیم:

در باب طهارت می‌خوانیم که رسول خدا (ص) با وجود عنایت بسیار به پاکیزگی مسلمانان، گاهی از واجب شمردن برخی دستورات بهداشتی - که رعایت آنها دشوار بود - چشم می‌پوشید و مثلاً می‌فرمود: لَوْلَا أَنْ أُسِّقَ عَلَيَّ أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ بِوُضُوءٍ وَ مَعَ كُلِّ وُضُوءٍ بِسِوَاكِ^۲ «اگر بر امتم دشوار نبود فرمان

۱. المسند، احمد بن حنبل، ۵، ۳۲.

۲. الفقه الاسلامی و أدلته، دکتر وهبة الزحيلي، ج ۱، ص ۱۲۹ (جاب دمشق). اصل حدیث در جامع الأحادیث سیوطی بدین صورت آمده است: ذَرُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَلْبُكُمْ بِكَتْرَةِ سُؤَالِهِمْ وَ اخْتِلَافِهِمْ عَلَى أُنْبِيَائِهِمْ فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ إِذَا نَهَيْتُمْ عَنْ شَيْءٍ فَدَعُوهُ. (جامع الأحادیث، ج ۴، ص ۱۷۳، حدیث ۱۲۲۶۴).

۳. المسند، احمد بن حنبل، ۱، ۸۰ مقایسه شود با: الحدائق الناضرة، بحرانی، ج ۲، ص ۱۵۵ (جاب قم).

می‌دادم که با هر نماز، وضوئی تازه بسازند و با هر وضوء، دندانها را مسواک زنند.» دستور تیمم با خاک در زمان بیماری، ناظر به رعایت همین آسانگیری است و بدین مناسبت در کتب فقه و حدیث آورده‌اند که مردی از یاران پیامبر (ص) بر سرش زخمی وارد آمد، ضمناً دچار جنابت هم شد. از برخی همراهان خود پرسید که آیا جایز است در این حالت با خاک تیمم کنم؟ آنان بر او سخت گرفتند که با وجود آب، تیمم با خاک باطلست. مرد مسلمان، غسل کرد و این کار مایهٔ هلاکتش گردید. چون ماجرا را به پیامبر خدا (ص) گزارش دادند، فرمود: قَتَلُوهُ، قَتَلَهُمُ اللَّهُ، أَلَا سَأَلُوا إِذَا لَمْ يَعْلَمُوا؟ فَأَيُّمَا شِفَاءَ الْعَمِيِّ السُّؤَالُ^۱ «خدا آنانرا بکشد که او را کشتند، چرا هنگامی که چیزی را ندانستند، نپرسیدند؟ درمان نادانی از طریق پرسش است.» آنگاه پیامبر اکرم (ص) توضیح داد که در چنین مواردی، چگونه باید عمل کرد.

در باب قبله، هنگامی که سمت و جهت آن معلوم نباشد، برخی سختگیری نموده‌اند و اظهار داشته‌اند که باید به هر چهارسو، نماز خواند. اما در کتب فقه و حدیث از قول یاران پیامبر (ص) آمده است که: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمْ فِي سَفَرٍ فِي لَيْلَةٍ مُظْلِمَةٍ، فَلَمْ نَدْرِ أَيْنَ الْقِبْلَةَ؟ فَصَلَّى كُلُّ رَجُلٍ مِنَّا عَلَى حِيَالِهِ، فَلَمَّا أَصْبَحْنَا ذَكَرْنَا ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَتَرَكْتُ: فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا فَنَمَّ وَجْهُ اللَّهِ^۲ «ما با رسول خدا (ص) در سفر، در شبی تاریک همراه بودیم و نمی‌دانستیم که قبله در کدام طرف است؟ پس هر یک از ما در سمت پیشین خود نماز گزارد، چون صبح فرا رسید این ماجرا را برای رسول خدا (ص) حکایت کردیم آنگاه این آیه فرود آمد که: فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا فَنَمَّ وَجْهُ اللَّهِ (البقرة: ۱۱۵) «به هر طرف روی گردانید همانجا قبله خدا است.»

همچنین در باب صلوة، تخفیف‌هایی که به مسلمانان داده شده از قبیل قصر نماز به هنگام سفر، و رفع نماز از بانوان در خونریزیهای زنانه، و تغییر شکل

۱. الحدائق الناضرة، ج ۲، ص ۳۸۰؛ وسائل الشیعة، باب ۵ از ابواب تیمم، ج ۲، ص ۹۶۸، (چاپ بیروت)؛ التاج الجامع للأصول فی احادیث الرسول، منصور علی ناصف، ج ۱، ص ۱۲۴ (چاپ بیروت).
 ۲. الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج ۲، ص ۸۰ (چاپ مصر) مقایسه شود با: مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۴۳۱ (چاپ بیروت).

نماز در وقت بیماری و یا خوف از دشمن (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا. البقرة: ۲۳۹) و جواز جمع میان دو نماز به هنگام مسافرت یا حال عسرت و امثال این احکام، همگی از آسانگیری اسلام در مهمترین عبادت شرعی حکایت می‌کنند. در آثار نبوی آمده است که پیامبر اکرم (ص) به یکی از یارانش وقتی که بیمار بود، فرمود: صَلِّ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلِي جَنْبٍ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَمُسْتَلْقِيًا لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.^۱ «نماز را ایستاده بگزار، پس اگر توانایی نداشتی، نشسته و اگر نه، بر پهلو و اگر نه، بر پشت بخواب و نماز را بجای آر که خدا هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند».

در باب زکوة نیز به تخفیفهایی چند برمی‌خوریم از جمله می‌خوانیم که گردآورندگان زکوة (العامِلِينَ عَلَيْهَا) نباید مردم را تفتیش کنند بلکه باید کار را بر ایشان آسان گیرند و بهترین بخش از اموال مسلمانان را انتخاب نکنند، چنانکه رسول اکرم (ص) به مأمور خود فرمود: فَإِيَّاكَ وَ كَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ^۲ «از گرفتن ارزنده‌ترین بخش از اموال مردم، خودداری کن» و موارد دیگری نیز در همین باب ملاحظه می‌شود که شرح آنها بدرازا می‌کشد.

در باب صوم نیز آسانگیری‌هایی که دربارهٔ مریض، و مسافر، و زن باردار، و حائض، و زن و مرد پیر، و عَطَّاش و دیگران در فقه اسلامی معمول است مشهورتر از آنند که به توضیحشان نیاز افتد. رسول اکرم (ص) به عبدالله بن عمرو که تصمیم گرفته بود هر روز را به روزه‌داری پردازد و هر شب را بیدار ماند و عبادت کند فرمود: صُمْ وَ أَفْطِرْ وَ قُمْ وَ نَمْ فَإِنَّ لِحَسْبِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَإِنَّ لِعَيْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَإِنَّ لِرِزْقِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَإِنَّ لِرِزْقِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ إِذَا بَحَسْبِكَ أَنْ تَصُومَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.^۳ «پاره‌ای از اوقات را روزه بگیر و پاره‌ای دیگر را مگیر، پاسی از شب را به عبادت برخیز و پاسی دیگر را بخواب زیرا که بدنت بر تو حقی دارد، و دیدگانت بر تو حقی دارند، و همسرت بر تو حقی دارد، و میهمانت بر تو حقی

۱. التاج الجامع للأصول، ج ۱، ص ۲۰۱: الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۱، ص ۶۴۳، شکل کامل حدیث را در

سنن نسائی می‌توان دید.

۲. التاج الجامع للأصول، ج ۲، ص ۴، مقایسه شود با: وسائل الشیعة، باب زکوة الأنعام، ج ۴، ص ۹۱.

۳. التاج الجامع للأصول، ج ۲، ص ۹۹.

دارد، تو را بسنده است که از هر ماه، سه روز را روزه بگیري.»

در باب حج نیز توانایی بدنی و مالی، شرط اساسی در تعلق تکلیف شمرده شده است چنانکه در نص قرآن مجید می‌خوانیم: **وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا** (آل عمران: ۹۷) «بر عهده مردم است که برای خدا، قصد خانه کعبه کنند، هر کس که توانایی (بدنی و مالی) در پیمودن راه آنرا داشته باشد» و در آثار نبوی (ص) آمده است که پیامبر اکرم (ص) در راه حج، پیرمردی ناتوان را دید که بر دو پسرش تکیه کرده بود و به زحمت راه می‌رفت، از فرزندان او حال پدرشان را پرسید، گفتند: یا رسول الله، پدر ما نذر کرده است که پیاده به خانه خدا رود. رسول اکرم (ص) رو به پیرمرد نموده فرمود: **اِزْكَبْ اَيْهَا الشَّيْخُ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنْكَ وَعَنْ نَّذْرِكَ** «ای شیخ، بر مرکب سوار شو که خدای تعالی از تو و نذرت بی‌نیاز است».

این قبیل تسهیلات در دیگر ابواب فقه نیز به وضوح ملاحظه می‌شود، حتی در باب جهاد که به مصداق آیه شریفه **(كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ...)** با طبع بسیاری از مردم موافق نیست، به تخفیف‌هایی برخورد می‌کنیم که شکل این فریضه مهم الهی را ملایم با طبع خردمندان نشان می‌دهد که تفصیل آنها در کتب فقه آمده و در اینجا مناسب است به آیه ۹۱ از سوره شریفه توبه که گوشه‌ای از آسانگیری اسلام را در امر جهاد جلوه‌گر می‌سازد توجه کنیم که می‌فرماید: **لَيْسَ عَلَى الضَّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ** (التوبة: ۹۱) «بر مردم ناتوان و بیمار و آنانکه چیزی برای خرج کردن (در امر جهاد) ندارند - چون نیکخواه خدا و رسولش باشند - گناهی نیست. راهی بر زبان نیکوکاران وجود ندارد و خدا آمرزنده و مهربان است» همچنین درباره کسانی که لازمست با ایشان به پیکار برخاست و کسانی که نباید متعرض آنان شد، در قرآن کریم می‌خوانیم: **وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ** (البقرة:

۱. التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۸۳، مقایسه شود با: وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۶۱. در وسائل آمده که رسول خدا (ص) فرمود: **اِنَّ اللّٰهَ غَرَّوَجَلٌ غَيِّبٌ عَنِ تَعْدِيْبِ نَفْسِهِ فَلْيَرْكَبْ وَلْيَهْدِ** (سوار شود و بجای آن، قربانی کند).

۱۹۰) «در راه خدا با کسانی که به جنگ شما آمده‌اند، پیکار کنید و تجاوز مکنید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد». و باز می‌خوانیم: **إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَمِيقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمَّ يَمِيقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلَمَ، فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (النساء: ۹۰)** «با دشمنان کارزار کنید مگر کسانی که به گروهی پیوسته‌اند که میان شما و آنان پیمانی هست یا بنزد شما آمده‌اند و حوصله ایشان از جنگیدن با شما یا کارزار با قومشان تنگ شده - و اگر خدا می‌خواست آنانرا بر شما چیرگی می‌داد و با شما پیکار می‌کردند - بنابراین، همینکه از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و اظهار صلح کردند، خداوند هیچ راهی را بر ضد آنان برایتان مقرر نداشته است». و در سوره انفال، ضمن آیات جهاد می‌فرماید: **وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (الأنفال: ۶۱)** «اگر دشمنان به صلح گرایش نشان دادند تو نیز بدین کار تمایل نشان بده و بر خدا توکل کن که او شنوا و داناست». و در کتب فقه و حدیث می‌خوانیم که: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً دَعَا بِأَمِيرِهَا فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِهِ وَ أَجْلَسَ أَصْحَابَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. لَا تَغْدِرُوا وَ لَا تَغْلُوا وَ لَا تَمْتَلُوا وَ لَا تَقْطَعُوا شَجْرَةً إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا وَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَايًّا وَ لَا صَبِيًّا وَ لَا أَمْرَأَةً.^۱** «چون پیامبر (ص) گروهی را به جنگ می‌فرستاد، فرمانده آنانرا فرا می‌خواند و در کنار خود جای می‌داد و یارانش را در پیش روی می‌نشاند، سپس به آنها می‌گفت: بنام خدا، و با توکل به خدا، و در راه خدا، و بر آئین پیامبر خدا حرکت کنید. نیرنگ مزیند، خیانت مورزید، دشمن را مثله مکنید، هیچ درختی را جز به ناچاری قطع مکنید، هیچ پیرمرد فرتوتی را مکشید و هیچ کودک و زنی را به قتل مرسانید».

همچنین در باب حدود و تعزیرات که احکام آن، در نظر عده‌ای، احکامی سنگین و سخت جلوه کرده است تخفیف‌های فراوانی در آثار فقهی به چشم

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۵، از ابواب جهاد العَدُو، مقایسه شود با: اِمتاع الأسماع، مقریزی، ج ۱، ص ۳۵۵ (چاپ بیروت).

می خورد که توجه بدانها از احکام کیفری اسلام، رفع شبهه می کند. مثلاً قاعده ای عظیم بر سراسر باب مذکور حکومت دارد با این عنوان که «الْحُدُودُ تُدْرَهُ بِالشُّبُهَاتِ». بنابراین قاعده رحمت آمیز، که عیناً از کلام نبوی (ص) اقتباس شده است، کمترین شبهه ای در جرم، عقوبت را از متهم دفع می کند. رسول اکرم (ص) فرموده است: «إِذْرَوْا الْحُدُودَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَخْرَجٌ فَخَلُّوا سَبِيلَهُ فَإِنَّ الْإِمَامَ لِأَنْ يُحْطِيَ فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يُحْطِيَ فِي الْعُقُوبَةِ»^۱ تا می توانید کیفرهای شرعی را از مسلمانان دفع کنید و اگر گریز گاهی برای متهم وجود داشته باشد، رهایش سازید زیرا که اگر امام مسلمانان در کار عفو، به خطا افتد بهتر از آنست که در کار عقوبت، خطا کند». شرایط دقیقی که برای هر جرم تعیین شده تا کیفر شرعی بدان تعلق گیرد، بسیاری از متهمان را تبرئه می کند. گاهی عفو و گذشت از سوی صاحب حق (مانند عفو و لئ دَم) مجرم را از کیفر می رهاوند (فَمَنْ عَفَى لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ). و گاهی توبه مجرم پیش از آنکه دستگیر شود، وی را از حد شرعی معاف می دارد (إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ). و گاهی اشتباه یا فراموشکاری یا مجبور بودن مجرم، مایه نجات وی را فراهم می آورد چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأُ وَالنَّسْيَانُ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ.^۲ از امت من، کیفر اعمالی که از روی خطا کاری یا فراموشی یا اجبار صورت پذیرفته باشند، برداشته شده است». مثلاً در آثار نبوی (ص) آمده است: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِامْرَأَةٍ أَكْرَهَتْ عَلَى الزَّانَا: إِذْهَبِي فَقَدْ عَفَّرَ اللَّهُ لَكِي^۳ پیامبر اسلام (ص) به زنی که او را به زناکاری وادار کرده بودند، فرمود: برو که خدا تو را آمرزیده است». به نظر شافعی (محمد بن ادریس) اساساً تعزیر گناهکاران، واجب نیست و امام مسلمانان می تواند مجرمان را از تعزیر معاف دارد،^۴ به دلیل آنکه

۱. التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۲، مقایسه شود با: الخلاف (مسائل الخلاف) شیخ طوسی، ج ۳، ص ۳۴۶ (جاب ایران).

۲. جامع الأحادیث، ج ۴، ص ۲۳۳، حدیث ۱۲۵۶۳.

۳. التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۵.

۴. الفقه الإسلامي وأدلته، ج ۶، ص ۲۰۷. عبارت کتاب چنین است: «وَعِنْدَ الشَّافِعِيِّ التَّعْزِيرُ وَاجِبٌ فَجَوْزُ لِلْإِمَامِ تَرْكُهُ إِذَا لَمْ يَتَّعَلَقْ بِهِ حَقٌّ أَدْمِينِ».

رسول خدا (ص) فرمود: أَقْبِلُوا ذَوَى الْهَيْئَاتِ عَثْرَاتِهِمْ إِلَّا فِى الْحُدُودِ^۱ «از لغزشهای اهل دیانت درگذرید، مگر در حدود». خلاصه آنکه در این باب (حدود و تعزیرات) نیز مانند دیگر ابواب فقه، زمینه تسامح و اغماض و آسانگیری، فراوان دیده می‌شود که از تفصیل آنها در این مقاله، معذوریم.

آنچه در پی این بحث، باقی می‌ماند آنست که ملاحظه کنیم اسلام در چه مواضعی، تسامح را نپسندیده و به سختگیری دستور داده است.

محمد بن سعد در طبقاتش، گزارشی از عائشه آورده که روحیه پیامبر اسلام (ص) را نسبت به تسامح و شدت عمل، به صورت کلی نشان می‌دهد و مناسب است که ما، در مطلع این بحث روایت مزبور را نقل کنیم و سپس به تفصیل مسئله پردازیم:

این سعد از قول عائشه می‌نویسد: مَاخَيْرَ رَسُولٍ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِى أَمْرَيْنِ إِلَّا أَحَدٌ أَيْسَرُهُمَا مَالَمْ يَكُنْ إِثْمًا، فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ، وَ مَا أَسْتَقَمَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لِنَفْسِهِ إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ اللَّهِ فَيَنْتَقِمَ اللَّهُ^۲ «هیچگاه پیامبر خدا (ص) میان دو کار اختیار پیدا نمی‌کرد مگر آنکه آسانترین را برمی‌گزید تا جایی که گناهی در میان نبود، و اگر گناهی به میان می‌آمد، از همه مردم نسبت بدان گناه دورتر بود. و هرگز پیامبر (ص) برای ظلمی که به خودش رفته بود از کسی انتقام نگرفت مگر زمانی که احترامِ نواهی خداوند از میان می‌رفت، در آن صورت، برای خدا انتقام می‌گرفت». این گزارش، نمایشگر آنست که پیامبر بزرگ اسلام (ص) در حوزه اختیارات خود، همواره به آسانگیری روی می‌آورد و در حقوق شخصی، جانب رحمت و ملایمت را می‌گرفت ولی در اجرای قوانین خداوند (که با منافع عمومی پیوند داشت) هرگز مدافعه روا نمی‌داشت و به وساطت این و آن، اعتنائی نمی‌نمود چنانکه ماثور است زنی از قبیله بنی مخزوم را به حضور پیامبر (ص) آوردند و جرم او که سرقت بود به اثبات رسید. رسول خدا (ص) دستور داد تا زن تبهکار را به کیفر رسانند، برخی از

۱. الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۶، ص ۲۰۷؛ التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۶.

۲. الطبقات الكبرى، ج ۱، القسم الثانی، ص ۹۱ (چاپ لیدن).

مسلمانان، بدستاویرز آنکه زن مزبور از قبیله معتبری است اصرار داشتند تا حدّ شرعی از او برداشته شود و چاره این کار را چنان دیدند که اُسامه بن زید را به سوی پیامبر (ص) به شفاعت فرستند. اُسامه که از لطف رسول خدا (ص) به خود، مطمئن بود درباره آن زن شفاعت نمود. پیامبر خدا (ص) با شگفتی به او فرمود: **أَتَشْفَعُ فِي حَدِّ مِنْ حَدِّ اللَّهِ؟** «آیا درباره حدی از حدود خدا، میانجیگری می کنی؟» و سپس برخاست و روی به مردم نمود و فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا هَلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكَوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ وَ آيُمُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا!** «هان ای مردم، پیشینیان شما هلاک شدند زیرا اگر شخص قدرتمند و مالدارى در میان آنها دزدى مى کرد، وی را رها مى ساختند و زمانی که شخص ناتوانى به دزدى دست مى زد، او را کیفر مى دادند ولى سوگند به خدا اگر فاطمه دختر محمد به سرقت پردازد، من دستش را قطع مى کنم». اجرای عدالت، سخت در نظر پیامبر خدا (ص) معتبر بود، چرا که قرآن مجید تأکید داشت:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ... (النساء: ۱۳۵) «ای اهل ایمان، در راه اجرای عدالت، قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خود یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد...».

و نیز فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ لَا تَعْدِلُوا...** (المائدة: ۸) «ای اهل ایمان، برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید و دشمنی با گروهی، شما را به بی عدالتی در باره آنان نکشانند...».

از اینرو پیامبر اسلام اجازه نمی داد که یارانش حتی در اموال غیرمسلمانان، به ناروا کمترین تصرفی کنند و می فرمود: **أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوْ انْتَقَصَهُ أَوْ كَلَفَهُ فَوْقَ طاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بغيرِ طيبِ نَفْسٍ فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.**^۲ «بدانید کسی که به همپیمانی غیر مسلمان، ستم کند یا بر او نقصی روا دارد یا او را به کاری بیش از

۱. التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۶ و ۳۷.

۲. صحیح ابوداود، الإمارة، ۳۳.

طاقش وا دارد یا از او چیزی - بدون رضایتش - بگیرد، من در روز رستاخیز معارض وی خواهم بود». طبری و ابن هشام گزارش نموده‌اند که برخی از تازه مسلمانان، اجازه خواستند تا از «صَوَال» یعنی شترانی که صاحبانشان آنها را گم کرده‌اند، بهره گیرند و سوار بر آنها به قبیله خود بازگردند. پیامبر به نمایندگی آنان فرمود: لا إِيَّاكَ وَ إِيَّاهَا، فَإِنَّمَا تِلْكَ حَرَقُ النَّارِ^۱ «نه! بر تو باد که از آنها بهره‌ریزی که شعله آتش‌اند».

رسول خدا (ص) با رشوه گرفتن و رشوه دادن، سخت مخالف بود و دست‌اندرکاران این امور را نفرین فرمود و گفت: لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَ الْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ.^۲ «خدا رشوه دهنده و رشوه گیرنده را در کار قضاوت، لعنت کند» و در روایت دیگر فرمود: لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَ الْمُرْتَشِيَّ وَ الرَّائِسَ الَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا^۳ «خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی را که میان آندو وساطت می‌کند». شکستن احکام خدا به بهانه‌های ناروا در نظر رسول اکرم (ص) سخت مذموم بود و می‌فرمود: قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْهِمُ الشُّحُومَ جَمَلُوهَا ثُمَّ بَاعُوهَا فَأَكَلُوهَا أَثْمَانَهَا!^۴ «خدا یهودیان را بکشد! زیرا که، چون خداوند تعالی خوردن پیه را بر آنان حرام فرمود. ایشان پیه را ذوب کرده و فروختند و بهایش را خوردند!». در اسلام مقرر شده است که اگر مردی همسرش را سه بار طلاق دهد، از آن پس، حتی رجوع و بازگشت به او را ندارد مگر آنکه زن مزبور، بطور عادی شوهر دیگری کند و اتفاقاً از او نیز جدا شود که در اینصورت با تجربه تازه‌ای که آموخته، می‌تواند به همسری شوهر اولش درآید. برخی، این قانون حکیمانه را دستاویز هوسبازی خود قرار می‌دادند و حاضر می‌شدند تا نقش «مُحَلَّل» را ایفا کنند یعنی زن مطلقه را یک شبه به ازدواج خویش درآورند و سپیده دم طلاقش دهند تا بر شوهر پیشین، حلال گردد! پیامبر (ص) در این کار

۱. تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوك)، ج ۳، ص ۱۳۶ (جاب قاهره)؛ سیره ابن هشام (سیره رسول الله)، ج ۲، ص ۵۷۵ (جاب قاهره).

۲. جامع الأحادیث، ج ۵، ص ۲۷۳؛ التاج، ج ۳، ص ۵۶.

۳. جامع الأحادیث، ج ۵، ص ۲۷۳؛ التاج، ج ۳، ص ۵۶.

۴. جامع الأحادیث، ج ۴، ص ۶۷۶؛ صحیح بخاری (با شرح کرمانی)، ج ۱۰، ص ۱۷۴، جاب لبنان. در عبارت جامع الأحادیث: حَرَمَتْ عَلَيْهِمُ الشُّحُومَ فَبَاعُوهَا وَ أَكَلُوهَا أَثْمَانَهَا آمده است.

سختگیری می نمود و می فرمود: لَعَنَ اللهُ الْمُحَلَّلَ وَ الْمُحَلَّلَ لَهُ^۱ «لعنت خدا بر مُحَلَّل باد و همچنین بر کسی که مُحَلَّل برای او کارسازی می کند».

بدعت گذاران در دین، سخت مورد خشم پیامبر بودند و رسول خدا (ص) می فرمود: كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ^۲ «هر بدعت دینی، گمراهی است و هر نوع گمراهی به آتش می انجامد». و باز می گفت: أَبَى اللهُ أَنْ يَقْبَلَ عَمَلَ صَاحِبِ بَدْعَةٍ حَتَّى يَدَعَ بَدْعَتَهُ^۳ «خدا هیچیک از اعمال بدعتگذاران را نمی پذیرد تا بدعتشان را ترک کنند». رسول اکرم (ص) دانشمندانِ اُمت خود را موظف شمرد تا در برابر بدعت های دینی خاموشی نگیرند و به مخالفت با آنها بپاخیزند و فرمود: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ^۴ «زمانی که بدعت ها در اُمت من آشکار شد، هر دانشمندی باید علم خود را (در مخالفت با آن بدعتها) اظهار کند و کسی که چنین نکرد، لعنت خدا بر او باد».

خلاصه آنکه پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هر چند در امور شخصی، پُرگذشت و آسانگیر بود در اجرای احکام خدا، جدّیت بسیار داشت و با هر گونه فریبکاری و بدعت گذاری به سختی مخالفت می نمود زیرا که اسلام در این باره تسامح را نمی پسندد، هر چند احکام خود را آسان و قابل تحمل، تشریح کرده است. آنچه بیش از هر چیز مورد تأکید اسلام قرار دارد، توحید خالص است که بهیچوجه مدهانه و سهل انگاری در آن پذیرفته نیست و اسلام با انواع شرک ها (از قبیل بت پرستی و ستاره پرستی و فرشته پرستی و انسان پرستی...) به شدت مخالفت نموده است. پیامبر بزرگوار ما از بیم آنکه اُمتش درباره او به غُلُو پردازند مؤکداً فرمود: لَا تَطْرُونِي كَمَا أَطْرَتِ النَّصَارَى ابْنِ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ، فَقُولُوا عَبْدُ اللهِ

۱. تفسیر روح الجنان، ابوالفتح رازی، ج ۱، ص ۳۹۳، چاپ قم: الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، ج ۳، ص ۴۲۸، چاپ بیروت. عبارت حدیث در سنن ترمذی چنین است: لَعَنَ رَسُولُ اللهِ الْمُحَلَّلَ وَ الْمُحَلَّلَ لَهُ.

۲. التاج الجامع للأصول، ج ۱، ص ۴۴: الأصول من الکافی، کلینی رازی، ج ۱۱، باب البدع و الرأی و المقائیس، حدیث شماره ۱۲.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، مقدمه، ص ۱۹، چاپ استانبول.

۴. الأصول من الکافی، ج ۱، باب البدع و الرأی و المقائیس، حدیث شماره ۲.

و رَسُولُهُ^۱ «در بارهٔ من مبالغه نکنید چنانکه مسیحیان دربارهٔ فرزند مریم، از حد درگذشتند. جز این نیست که من بنده‌ای هستم، بنابراین بگوئید: بندهٔ خدا و فرستادهٔ او».

و نیز می‌فرمود: لَا تَرْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي فَإِنَّ اللَّهَ آتَّخِذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي نَبِيًّا^۲ «مرا از آنچه حق من است بالاتر نبرید که خداوند پیش از آنکه مرا به پیامبری گیرد، به بندگی گرفته است».

و به روایت تمام فرق مسلمین، در روزهای واپسین از عمر شریفش، نگران این امر بود که مبادا پس از مرگ وی، قبرش را پرستشگاه کنند و از اینرو بنا به گزارش ابن بابویه فرمود: لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي قِبْلَةً وَ مَسْجِدًا^۳ «قبر مرا قبله قرار مدهید و آنرا سجده‌گاه مکنید». و به گزارش مالک در موطأ می‌گفت: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَ ثَنًا يُعْبَدُ^۴ «بار خدایا! مگذار قبر من همچون بونی شود که آنرا پرستش کنند». چرا که قرآن مجید در مسئلهٔ شرک، پافشاری بسیار و سختگیری فراوانی نموده و می‌فرماید: مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا فِيهَا النَّارُ... (المائدة: ۷۲) «هر کس به خدا شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش، آتش است...».

آنچه در اینجا آوردیم دورنمایی از «تسامح و شدت عمل در اسلام» بود و تفصیل بحث، موکول به نگارش کتابی مستقل است و:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

از مجموعهٔ سخنان و شواهدی که نشان دادیم می‌توان بدین نتیجه رسید که در اسلام، تسامح و آسانگیری بر شدت عمل غلبه دارد و قوانین اسلامی، سهل و آسان تشریح شده است هر چند در رعایت آنها، کمال جدیت را باید مبذول داشت: وَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لِيُّ الْهَدَايَةِ وَ التَّوْفِيقِ.

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۴، چاپ مصر.

۲. عیون أخبار الرضا، ابن بابویه، ص ۳۲۴، چاپ سنگی.

۳. من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، باب التعزیه و الجزع عند المصیبه، ص ۳۵، چاپ سنگی.

۴. الموطأ، ج ۱، ص ۱۲۳، چاپ مصر.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی